

# اثربخشی آموزش گروهی مادران طلاق با رویکرد تلفیقی در شهر اصفهان بر سازگاری آنان

مرجان الشریف<sup>۱</sup>

فاطمه بهرامی<sup>۲</sup>

مریم فاتحی‌زاده<sup>۳</sup>

تاریخ وصول: ۹۱/۸/۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۸

## چکیده

هدف از اجرای این پژوهش بررسی اثربخشی آموزش گروهی مادران طلاق (با رویکرد تلفیقی) در شهر اصفهان بر سازگاری آنان بود. این پژوهش به شیوه‌ی نیمه‌تجربی با طرح تحقیق پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه گواه اجرا گردید. جامعه آماری شامل کلیه‌ی زنان مطلقه تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر اصفهان در سال ۱۳۸۹ بود. به منظور اجرای طرح پژوهشی، ابتدا از بین مراکز هشت‌گانه خدمات اجتماعی بهزیستی، یک مرکز به صورت تصادفی انتخاب و از بین زنان مطلقه خودسرپرست ۲۰ نفر نمونه‌ی در دسترس و داوطلب انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. پس از انجام نمونه‌گیری، یک جلسه پیش‌آزمون برای هر دو گروه آزمایشی و گواه تشکیل گردید که در طی آن از مادران درخواست شد تا به فرم جمعیت‌شناختی و پرسشنامه سازگاری پس از طلاق فیشر (FDAS) پاسخ دهند. پس از آن ۸ جلسه آموزش (۱ ساعت و نیم، دو بار در هفته) به شیوه‌ی رویکرد تلفیقی به مادران گروه آزمایشی آموزش داده شد. در پایان دوره‌ی آموزشی، پرسشنامه مذکور به عنوان پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل اجرا گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کواریانس انجام پذیرفت. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که آموزش گروهی مادران طلاق با رویکرد تلفیقی در گروه آزمایش

۱- کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان marjan.alsharif@yahoo.com

۲- دانشیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان dr.f.bahrami@edu.ui.ac.ir

۳- دانشیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان fatehizadeh@gmail.com

در مرحله پس‌آزمون بر سازگاری مادران و زیرمقیاس‌های آن شامل (احساس خودارزشی، رها شدن، خشم نسبت به همسر قبلی، سوگ، صمیمیت اجتماعی، خودارزشی اجتماعی) به صورت معناداری اثرگذار بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** طلاق، مادران طلاق، سازگاری با طلاق، آموزش گروهی با رویکرد

تلفیقی.

### مقدمه

طلاق فرایندی است که به زندگی زناشویی رسمی یک پدر و مادر خاتمه می‌دهد (اخوان تفتی و سیف، ۱۳۷۸). طلاق باعث از هم پاشیده شدن کانون گرم خانواده می‌شود و همبستگی بین زن و مرد را می‌گسلد. بر اثر طلاق زوجین از یکدیگر جدا می‌شوند و رابطه‌ی صمیمی و زندگی مشترک آنان پایان می‌پذیرد و عشق و محبت به کینه و عداوت، اتحاد و با هم بودن به تنهایی و سرگردانی می‌انجامد. طلاق پایان یک زندگی مختل و به هم ریخته است (شفیع‌آبادی، ۱۳۷۴).

طلاق یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی عصر ماست که قطعاً برای گروه بسیاری از انسان‌ها اجتناب‌ناپذیر است، زیرا گاهی محیط خانواده آن‌چنان پر آشوب و غیر قابل تحمل می‌شود که طلاق تنها راه حل باقی مانده است. با این وجود طلاق احساسات تلخ و غیر قابل باوری را به همراه دارد که درک آن برای اغلب خانواده‌ها مشکل است (احمدوند، ۱۳۸۸). متفکران و جامعه‌شناسان، طلاق را یکی از آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌آورند. بالاترین میزان آن را نشانه‌ی بارز اختلال در اصول اخلاقی و به هم خوردن آرامش خانوادگی و در مجموع دگرگونی در هنجارهای اجتماعی محسوب می‌دارند. طلاق یک معضل اجتماعی است که افراد درگیر را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد. طلاق نه تنها سبب گسیختن پیوندهای

زناشویی می شود، بلکه غالباً سبب از هم پاشیدگی و آسیب دیدگی روابط بین والدین و کودک نیز می گردد (هتر ینگتون<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹؛ به نقل از رضایی، ۱۳۸۶).

متأسفانه آنچه که امروز در جامعه شاهد آن هستیم این است که تداوم زندگی زناشویی و رضایت از آن به طور فزاینده‌ای رو به کاهش است. گلین<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) در یک نظرسنجی دریافت که تنها یک سوم از ازدواج‌ها بعد از ۱۶ سال راضی و باثبات باقی می‌مانند و حدود ۵۰٪ از ازدواج‌ها در آمریکا به طلاق منجر می‌شود و مشکل تعارضات زناشویی بیش از هر مشکل روان پزشکی سبب ارجاع جهت دریافت مراقبت‌های بهداشت روانی می‌شود (برنشتاین و برنشتاین<sup>۳</sup>، ۱۳۷۷).

امروزه پدیده طلاق در سطح دنیا روبه فزونی است و در کشور ما نیز این معضل طی سال‌های اخیر افزایش پیدا کرده است. در ایران نیز طبق گزارش اداره‌ی کل روابط عمومی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، نرخ طلاق در سال ۸۹، ۱۲۴ هزار و ۷۴۱ مورد بوده که در مقایسه با سال قبل از آن ۸/۸٪ افزایش داشته است.

تجربه‌ی طلاق، سازگاری زوجین را در تمام ابعاد (روانشناختی، جسمانی، اجتماعی و هیجانی) تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث کاهش عملکرد و ناکارآمدی اعضای خانواده پس از طلاق می‌گردد (پرتز، اسمیت، براون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰).

تحقیقات در ایران و دیگر کشورها نشان می‌دهد که زنان پس از طلاق دچار علائم بسیار زیادی چون افسردگی، احساس ناامیدی و یأس و عدم مسئولیت‌پذیری، ضعف روانی و تمایل به سرزنش خود می‌شوند که این علائم در حالات شدید می‌تواند به عنوان یک بیماری روانی همچون افسردگی شدید، حالات هیستریک، هیپو کندریا و حتی پارانوئید باعث ایجاد از هم گسیختگی این قبیل زنان شود (امینی، ۱۳۷۹).

- 
1. Hetherington
  2. Gleen
  3. Bornstein, F. H & Bornstein, M. T
  4. Portes, P, Smith, T & Brown, J.

با توجه به عوارض و پیامدهای طلاق برای مادران، لزوم سازگاری همه‌جانبه با فرایند طلاق، ضرورتی انکارناپذیر است. سازگاری یک فرایند روان‌شناختی است که طی آن فرد با خواسته‌ها و چالش‌های زندگی مقابله می‌کند و یا آنها را به کنترل درمی‌آورد (ویتن و لوید<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷؛ به نقل از مظاهری، ۱۳۸۲).

سازگاری با طلاق یک فرایند پیچیده و چندوجهی است که ممکن است نتایج مختلفی از مثبت تا منفی را به همراه داشته باشد. به وضوح برخی از طلاق‌ها از برخی دیگر سازگارانه‌تر می‌باشد (ساتون و اسپرینکل<sup>۲</sup>، ۱۹۸۳؛ به نقل از بلالی، ۱۳۸۸).

عوامل زیادی با سازگاری پس از طلاق رابطه دارد که می‌توان این عوامل را شامل دارا بودن حمایت اجتماعی، سبک دلبستگی فرد مطلقه، سلامت روانی، ویژگی‌های شخصیتی، نگرش مذهبی افراد، جنسیت، سن، تعداد و سن بچه‌ها، طول مدت جدایی، مدت ازدواج، آغازگر بودن برای طلاق، روابط اجتماعی و بخشودگی دانست.

یکی از راهکارهایی که به نظر می‌رسد برای افزایش سازگاری مادران طلاق موثر واقع شود، آموزش گروهی آنها بر مبنای رویکرد تلفیقی است. بر این اساس هدف این پژوهش تعیین میزان اثربخشی آموزش گروهی مادران طلاق با رویکرد تلفیقی در شهر اصفهان بر سازگاری آنان و زیرمقیاس‌های سازگاری آنان بوده است.

بلالی (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه شهر اصفهان پرداخت. روش پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری، کلیه زنان مطلقه شهر اصفهان بودند که ازدواج مجددی نداشتند. نمونه‌ی پژوهش ۱۰۰ زن مطلقه از شهر اصفهان بودند که از بین مراکز بهزیستی و کمیته امداد شهر اصفهان انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده شامل پرسشنامه سازگاری پس از طلاق فیشر، پرسشنامه سبک‌های دلبستگی، پرسشنامه حمایت اجتماعی، پرسشنامه پنج عاملی شخصیت، پرسشنامه نگرش سنج مذهبی،

---

1. Weiten & Liloyd  
2. Sutton & Sprenkle

پرسشنامه SCL-90 می باشد. یافته های این تحقیق نشان داد که بین سبک های دلبستگی، حمایت اجتماعی در عامل حمایت خانواده، نگرش مذهبی در بعد اخلاقیات و عقاید، ویژگی های شخصیتی در بعد روان رنجوری و برون گرایی، سلامت روان در بعد افسردگی با سازگاری پس از طلاق رابطه ی معناداری وجود دارد.

یوسفی و همکاران (۱۳۸۹) به مقایسه ی طرحواره های ناسازگار اولیه در همسران مطلقه و عادی به عنوان پیش بینی کننده طلاق پرداختند. آزمودنی های پژوهش ۱۵۰ زوج خواهان طلاق و ۱۵۵ زوج عادی بودند. نتایج نشان داد که طرحواره های بی اعتمادی، بد رفتاری، معیارهای سخت گیرانه و بازداری هیجانی بیشترین توان پیش بینی معنادار طلاق را داشتند.

محققان دریافتند که مادران و پدران طلاق مخصوصاً مادران، بیشتر در معرض مشکلات والدینی هستند. آنها بیان کردند که مادران پس از جدایی با فقدان خود کفایتی، خودمختاری و کاهش رفتارهای رشد یافته مواجه می شوند. همچنین آنها دریافتند که سطوح بالای افسردگی، اضطراب و تمایل برای ناشادابی به طور کلی برای افراد مطلقه نسبت به افراد متأهل وجود دارد. والدین پس از طلاق، کاهش ظرفیت بالایی را برای انجام نقش های والدینی تجربه می کنند که ممکن است ناشی از تغییر سبک زندگی و تمرکز دوباره روی نگرانی ها و اضطراب هایشان باشد. افراد مطلقه در احتمال خطر بالایی برای مصرف الکل، حوادث ناگهانی، بیماری های روانی، خودکشی، دیگرکشی و بیماری های جسمی می باشند.

همچنین بسیاری از زنانی که گسسته شدن خانواده شان را تجربه می کنند، افزایش پریشانی، افسردگی، تنهایی، خشم، پشیمانی، عدم کنترل و درماندگی را در خود گزارش می کنند. این علائم روان شناختی به سادگی به واکنش حاد پس از تنش طلاق مربوط نمی شود، بلکه برای

بسیاری از آنان مشکلات عاطفی، پس از جدایی نیز سال‌های متمادی ادامه می‌یابد (فکس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱؛ گاو و شین<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹؛ توکر<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۹۷؛ استوارت و کالیجیوس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰).

پژوهشگران دریافته‌اند که بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های سازگاری پس از طلاق، کاهش دلبستگی به همسر قبلی، صمیمیت فرزندان، رضایت فرد مطلقه از دوستان و روابط صمیمی با خویشاوندان نزد همسر قبلی می‌باشد (تی‌جان<sup>۵</sup>، ۱۹۸۹؛ مور و لوآن‌بی، ۱۹۹۰).

فیشر (۱۹۹۴) در پژوهشی به ارزیابی سمینار بازسازی زندگی پس از طلاق پرداخت. وی در بررسی خود از مقیاس سازگاری پس از طلاق فیشر (FADS) استفاده کرد. نمونه‌ی مورد بررسی شامل ۴۹۷ شرکت‌کننده سمینار بازسازی (۷۵٪ زن و ۲۵٪ مرد) بوده است. نتایج نشان داد بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون شرکت‌کنندگان در تمام ابعاد (خودارزشمندی، رها شدن، خشم، سوگ، صمیمیت اجتماعی و خودارزشمندی اجتماعی) تفاوت معناداری وجود دارد و سمینار بازسازی زندگی پس از طلاق یک برنامه مؤثر در جهت افزایش سازگاری زوجین پس از طلاق می‌باشد.

بون<sup>۶</sup> (۲۰۰۵) با بررسی زنان مطلقه دریافت که گروه‌های حمایتی به طور بالقوه در فراهم آوردن مساعدت جهت برخورد با مسائل عاطفی مثل خشم و بخشودگی و همچنین ایجاد مهارت‌هایی مثل تنظیم عواطف و تکنیک‌های شناختی مانند بازسازی به اندازه حمایت‌های عملی و اطلاعاتی مؤثر می‌باشد (به نقل از بلالی، ۱۳۸۸).

وو کالویچ و کالتابیانو<sup>۷</sup> (۲۰۰۸) به بررسی اثرات شرکت در یک برنامه‌ی مداخله‌ای گروهی در جهت سازگاری با طلاق زوجین مطلقه پرداختند. نمونه مورد بررسی شامل ۴۴ شرکت‌کننده (۲۰ مرد و ۲۰ زن) بود. ابزار مورد استفاده شامل ۱- مقیاس عزت نفس

- 
1. Fox
  2. Gove & Shin
  3. Tucker
  4. Stewart & Colleagues
  5. Tschann
  6. Boon
  7. Vukalovich & Caltabiano

روزنبرگ<sup>۱</sup> و ۲- مقیاس سازگاری با طلاق فیشر می باشد. نتایج تفاوت‌هایی در سازگاری مردان و زنان از طلاق نشان داد ولی در کل، بررسی‌ها نشان داد که شرکت کنندگان در برنامه، سازگاری معناداری در همه ابعاد سازگاری به دنبال شرکت در برنامه داشته‌اند.

با توجه به یافته‌های تحقیقات عنوان شده و هدف پژوهش حاضر، فرضیات زیر مورد آزمون قرار گرفت:

۱- آموزش گروهی مادران طلاق با رویکرد تلفیقی بر سازگاری مادران موثر است.

۲- آموزش گروهی مادران طلاق با رویکرد تلفیقی بر زیرمقیاس‌های سازگاری مادران (خودارزشمندی، رها شدن، خشم، درک، صمیمیت اجتماعی و خودارزشمندی اجتماعی) مؤثر است.

### روش پژوهش

این پژوهش به شیوه نیمه تجربی با طرح تحقیق پیش آزمون- پس آزمون با گروه گواه اجرا گردید. جامعه آماری شامل کلیه زنان مطلقه تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر اصفهان در سال ۱۳۸۹ بود. به منظور اجرای طرح پژوهشی، ابتدا از بین مراکز هشت گانه خدمات اجتماعی بهزیستی، یک مرکز به صورت تصادفی انتخاب و از بین زنان مطلقه خودسرپرست ۲۰ نفر نمونه در دسترس و داوطلب انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. پس از انجام نمونه‌گیری، یک جلسه‌ی پیش آزمون برای هر دو گروه آزمایشی و گواه تشکیل گردید که در طی آن از مادران درخواست شد تا به ابزارهای پژوهش شامل فرم جمعیت‌شناختی و پرسشنامه سازگاری پس از طلاق فیشر (FDAS) پاسخ دهند. فرم جمعیت‌شناختی محقق ساخته شامل اطلاعاتی درباره ازدواج مجدد مادر، میزان رابطه‌ی فعلی با همسر سابق، کیفیت رابطه با همسر سابق، حضانت فرزند، صحبت با کودک در رابطه با علت جدایی،

ادامه‌ی درگیری در دادگاه، کیفیت رابطه‌ی مادر با فرزند، کیفیت رابطه‌ی همسر سابق با فرزند بود.

همچنین پرسشنامه سازگاری پس از طلاق فیشر (FDAS) شامل ۱۰۰ عبارت است که توسط فیشر<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۶ ساخته شده و به صورت لیکرت ۵ نقطه‌ای نمره گذاری می‌شود. این مقیاس برای ارزیابی سطح سازگاری بعد از پایان یافتن یک رابطه‌ی عاشقانه طراحی شده است و نمره‌ی کلی بالاتر نشان‌دهنده‌ی سازگاری بهتر فرد پس از جدایی می‌باشد (فیشر و بیرهاوس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴). این مقیاس توسط روان‌شناسان بالینی برای اجرای سمینارهای سازگاری با طلاق و هدایت گروه‌های حمایتی مورد استفاده قرار می‌گیرد و اغلب توسط پژوهشگرانی که در مورد جریان طلاق و سازگاری خانواده تحقیق می‌کنند، به طور گسترده‌ای استفاده می‌شود. مقیاس دارای ۶ خرده‌مقیاس می‌باشد که عبارتند از:

۱- احساس خودارزشی<sup>۳</sup> ۲- رها شدن<sup>۴</sup> ۳- خشم<sup>۵</sup> ۴- سوگ<sup>۶</sup> ۵- صمیمیت اجتماعی<sup>۷</sup> و ۶- خودارزشی اجتماعی<sup>۸</sup> (بوهلر<sup>۹</sup>، ۱۹۹۰؛ به نقل از بلالی، ۱۳۸۸).

گزینه‌های این پرسشنامه شامل: تقریباً همیشه، معمولاً، گاهی اوقات، به ندرت و تقریباً هرگز می‌باشد که به ترتیب نمره‌های ۵-۱ می‌گیرند. همه سؤالات به جز ۳۱ سؤال به صورت مستقیم نمره گذاری می‌شوند.

پایایی و روایی این پرسشنامه در مطالعات زیادی که در خارج از کشور صورت گرفته، محاسبه شده است که نتایج نشان‌دهنده‌ی این است که دارای پایایی بالا و روایی مناسبی است. فیشر، پایایی بازآزمایی این مقیاس را ۰/۹۸ گزارش کرده است و روایی همگرایی آن از طریق

- 
1. Fisher
  2. Fisher & Bierhaus
  3. feeling of self worth
  4. disentanglement
  5. anger
  6. grief
  7. social trust
  8. social self worth
  9. Buehler



همبستگی با مقیاس مفهوم خود تنسی<sup>۱</sup> و پرسشنامه جهت گیری شخصیت<sup>۲</sup> مورد بررسی قرار گرفته و همچنین روایی محتوا و روایی سازه آن نیز محاسبه شده که همگی نشان دهنده ی روایی مناسب این مقیاس می باشد (فلیس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱؛ به نقل از بلالی، ۱۳۸۸).

در پژوهشی که توسط بلالی (۱۳۸۸) انجام گرفت، آلفای کرونباخ کل سوالات ۰/۸۲ و پایایی خرده مقیاس ها ۰/۵۱ تا ۰/۹۰ بدست آمد. همچنین روایی ملاکی همزمان این مقیاس از طریق تعیین همبستگی با نمرات پرسشنامه SCL-90 بررسی شد و نشان داد که بین نمرات این مقیاس و ابعاد SCL-90 یعنی شکایت جسمانی، وسواس، حساسیت در روابط متقابل، افسردگی، اضطراب، خصومت، ترس مرضی، افکار پارانویید و روان پریشی همبستگی معکوس معنی داری وجود دارد.

پس از آن ۸ جلسه آموزش (۱ ساعت و نیم، دو بار در هفته) به شیوه ی رویکرد تلفیقی به مادران گروه آزمایشی آموزش داده شد. در پایان دوره آموزشی، پرسشنامه مذکور به عنوان پس آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل اجرا گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش آماری تحلیل کواریانس انجام پذیرفت.

محتوای جلسات آموزشی مادران به شرح زیر است:

جلسه اول: آشنایی اولیه و تبیین اهداف برگزاری جلسات و بیان هنجارهای گروهی، آشنایی با پیامدهای طلاق برای والدین و فرزندان، بیان لزوم سازگاری همه جانبه والدین و فرزندان طلاق، آشنایی اعضا با مباحث اصلی مورد بررسی در طی جلسات گروهی. جلسه دوم: بررسی تکالیف، آشنایی مادران با بلوک های بازسازی زندگی پس از طلاق، شناخت اعضای گروه از اینکه در کدام مرحله بازسازی قرار دارند، بررسی بلوک های بازسازی ترس و انکار. جلسه سوم: مرور مباحث جلسه قبل و بررسی تکالیف، آشنایی با بلوک های سازگاری، تنهایی، دوستی، آشنایی با افکار و هیجانات کودکان پس از جدایی در جهت برقراری ارتباط با آنها.

---

1. Tennessee self- concept  
2. personality orientation inventory  
3. Phelps

جلسه چهارم: مرور مباحث جلسه قبل، آشنایی با بلوک‌های بازسازی احساس گناه/ طرد، غم، خشم، آشنایی اعضای گروه با فرایند بخشودگی جلسه پنجم: مرور مباحث جلسه قبل و بررسی تکالیف، آشنایی با بلوک‌های بازسازی، رها کردن، خودارزشمندی، انتقال و صداقت، شیوه‌های برخورد با مشکلات رفتاری کودکان. جلسه ششم: آشنایی با بلوک‌های بازسازی اعتماد، استقلال، هدفمندی و آزادی، آشنایی با مفاهیم مرزها، زیرمنظومه‌ها، ائتلاف، سلسله مراتب قدرت، نقش‌ها، فرزند ولی گونه و... جلسه هفتم: بیان شیوه‌های کاهش تعارض‌های والدینی، آشنایی با شیوه‌های افزایش همکاری والدینی. جلسه هشتم: شیوه‌های برقراری ارتباط با کودکان، راهکارهای افزایش سازگاری کودکان.

#### یافته‌ها

با استفاده از جدول‌های میانگین و انحراف معیار و ضریب همبستگی ویژگی‌های جمعیت شناختی با متغیر سازگاری والدین با طلاق و عامل‌های آن تحلیل توصیفی انجام شد و برای تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها از روش تحلیل کواریانس استفاده شد که نتایج به دست آمده در جداول زیر آورده شده است.

جدول ۲. مقایسه میانگین و انحراف معیار نمره کل و نمرات عامل های سازگاری مادران با طلاق دو گروه

آزمایش و کنترل در مراحل پیش آزمون و پس آزمون

پس آزمون		پیش آزمون		تعداد	گروه	زیر مقیاس (عامل) پرسشنامه سازگاری مادران با طلاق
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین			
7/71	97/20	12/61	81/30	10	آزمایش	احساس خود ارزشی
9/46	72/10	10/12	71/90	10	کنترل	
11/39	85/30	13/76	81/90	10	آزمایش	رها شدن
11/00	73/60	10/88	73/80	10	کنترل	
3/88	39/00	7/92	23/90	10	آزمایش	خشم
4/18	25/80	5/05	26/00	10	کنترل	
10/61	91/80	18/23	78/00	10	آزمایش	سوگ
7/35	66/60	8/98	66/30	10	کنترل	
4/71	28/60	6/36	25/30	10	آزمایش	صمیمیت اجتماعی
1/63	23/00	2/50	22/60	10	کنترل	
4/04	34/80	4/53	29/10	10	آزمایش	خودارزشی اجتماعی
1/75	26/80	2/20	27/20	10	کنترل	
36/63	376/70	57/72	319/50	10	آزمایش	سازگاری والدین با طلاق (نمره کل)
27/85	287/90	32/10	287/80	10	کنترل	

همان طور که جدول ۲ نشان می دهد میانگین کل نمرات سازگاری والدین با طلاق گروه آزمایش در مرحله پیش آزمون برابر با ۳۱۹/۵۰ بوده است که این مقدار بعد از آموزش و در مرحله پس آزمون به ۳۷۶/۷۰ رسیده است. در گروه کنترل روند به گونه دیگری است. میانگین کل نمرات سازگاری مادران با طلاق در این گروه در مرحله پیش آزمون ۲۸۷/۸۰، در مرحله پس آزمون ۲۸۷/۹۰ بوده است.

براساس نتایج آزمون لوین پیش‌فرض تساوی واریانس‌های دو گروه در نمره کل سازگاری پس از طلاق و خرده‌مقیاس‌های آن شامل احساس خودارزشی، میزان رهاشدن، خشم نسبت به همسر قبلی، سوگ، صمیمیت اجتماعی، خودارزشی اجتماعی همگی در سطح معناداری بالاتراز ( $P < 0/05$ ) تایید می‌شود و واریانس‌های دو گروه در جامعه با یکدیگر مساوی است و با هم تفاوت معناداری ندارد. بنابراین، با توجه به رعایت پیش‌فرض لوین، امکان اجرای تحلیل کوواریانس بر روی نتایج جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش بلامانع بود.

جدول ۳. ضریب همبستگی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با متغیر سازگاری والدین با طلاق و عامل‌های آن

مقیاس	آماره							
	ازدواج مجدد	میزان رابطه فعلی با همسر سابق	کیفیت رابطه با همسر سابق	صحت در مورد علت جدایی	ادامه درگیری در دادگاه	کیفیت رابطه با فرزند	کیفیت رابطه همسر سابق با فرزند	حضانت فرزند
احساس خود ارزشی	ضریب همبستگی	.43	-.43	.13	.18	.22	.32	-.21
	معنی داری	.05	.05	.13	.42	.33	.16	.36
	تعداد	20	20	20	20	20	20	20
رها شدن	ضریب همبستگی	.12	-.53 (*)	-.41	.17	-.02	.17	-.43
	معنی داری	.60	.016	.06	.45	.92	.45	.05
	تعداد	20	20	20	20	20	20	20
خشم	ضریب همبستگی	.34	-.36	-.17	.36	-.13	.18	.32
	معنی داری	.02	.32	.18	.13	.36	.18	.32

۳۳ اثر بخشی آموزش گروهی مادران طلاق با...

								معنی	
								داری	
								تعداد	
								ضریب همبستگی	سوگ
.92	.16	.44	.56	.11	.46	.11	.13		
20	20	20	20	20	20	20	20		
.04	.17	.40	.04	.24	-.24	-.39	.38		
								معنی	
								داری	
								تعداد	
								ضریب همبستگی	صمیمیت اجتماعی
.84	.45	.07	.84	.29	.28	.08	.09		
20	20	20	20	20	20	20	20		
-.05	.18	.24	.009	.16	-.43	-.46 (*)	.18		
								معنی	
								داری	
								تعداد	
								ضریب همبستگی	خود ارزشی اجتماعی
.81	.44	.30	.97	.49	.05	.04	.42		
20	20	20	20	20	20	20	20		
.19	.40	.39	-.03	-.14	-.02	-.16	.31		
								معنی	
								داری	
								تعداد	
								ضریب همبستگی	سازگاری پس از طلاق (نمره کل)
.39	.07	.08	.88	.55	.92	.49	.17		
20	20	20	20	20	20	20	20		
-.05	.24	.33	.04	.22	-.34	-.48 (*)	.35		
								معنی	
								داری	
								تعداد	
								معنی	
								داری	
								تعداد	

\* معناداری همبستگی در سطح ۰/۰۵

جدول ۳ همبستگی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با متغیر سازگاری والدین با طلاق و عامل‌های آن را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول رابطه رها شدن، صمیمیت اجتماعی و سازگاری پس از طلاق با میزان رابطه فعلی با همسر سابق در سطح  $p \leq 0/05$  معنی‌دار است و

چون میزان ضریب همبستگی بین آنها منفی می‌باشد نتیجه‌گیری می‌شود که هرچه میزان رابطه فعلی با همسر سابق بیشتر شود، رها شدن، صمیمیت اجتماعی و سازگاری پس از طلاق کاهش می‌یابد.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس اثربخشی آموزش با رویکرد تلفیقی بر میزان سازگاری مادران با

طلاق در دو گروه کنترل و آزمایش در مرحله پس از آزمون

منبع تغییرات	شاخص	درجه آزادی	F	معناداری	میزان تأثیر	توان آماری
پیش‌آزمون	1	91/12	0/00	0/85	1/00	
رابطه فعلی با همسر سابق	2	2/76	0/09	0/27	0/46	
عضویت گروهی	1	183/55	0/00	0/92	1/00	

نتایج تحلیل کوواریانس اثربخشی آموزش با رویکرد تلفیقی بر میزان سازگاری مادران با طلاق در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس از آزمون در جدول ۴ آمده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، بعد از کنترل اثر پیش‌آزمون، تفاوت بین میانگین‌های نمرات پس از آزمون سازگاری مادران با طلاق در دو گروه آزمایش و کنترل معنی‌دار است ( $P < 0/05$ )، لذا فرضیه ۱ تأیید می‌شود. میزان اثربخشی درمان ۰/۹۲ بوده است؛ به این معنا که عضویت گروهی ۹۲٪ از تغییرات مربوط به نمرات سازگاری مادران با طلاق را در مرحله پس از آزمون تبیین می‌کند. توان آماری ۱/۰ نشان می‌دهد که حجم نمونه برای بررسی این فرضیه کافی بوده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس اثر بخشی آموزش با رویکرد تلفیقی بر میزان احساس خودارزشی، میزان رها شدن، خشم نسبت به همسر قبلی، سوگ، صمیمیت اجتماعی، خودارزشی اجتماعی در دو گروه

کنترل و آزمایش در مرحله ی پس آزمون

منبع تغییرات	شاخص	درجه آزادی	F	معناداری	میزان تأثیر	توان آماری
پیش آزمون		1	68/48	0/00	0/80	1/00
عضویت گروهی		1	94/22	0/00	0/84	1/00
پیش آزمون		1	106/07	0/00	0/87	1/00
رابطه فعلی با همسر سابق		2	4/10	0/03	0/35	0/63
عضویت گروهی		1	12/02	0/003	0/44	0/89
پیش آزمون		1	29/17	/00۰	0/63	/99۰
عضویت گروهی		1	154/59	0/00	0/90	1/00
پیش آزمون		1	131/38	/00۰	/88۰	1/00
عضویت گروهی		1	138/47	/00۰	/89۰	1/00
پیش آزمون		1	27/72	/00۰	0/64	0/99
رابطه فعلی با همسر سابق		2	1/01	0/38	0/1	0/19
عضویت گروهی		1	13/91	0/002	0/48	0/93
پیش آزمون		1	45/27	0/00	0/72	1/00
عضویت گروهی		1	71/34	/00۰	0/80	1/00

نتایج تحلیل کوواریانس اثر بخشی آموزش با رویکرد تلفیقی بر میزان احساس خودارزشی، رها شدن، خشم نسبت به همسر قبلی، سوگ، صمیمیت اجتماعی، خود ارزشی اجتماعی در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله ی پس آزمون در جدول ۵ آمده است. همانطور که ملاحظه می کنید، بعد از کنترل اثر پیش آزمون، تفاوت بین میانگین های نمرات پس آزمون دو گروه آزمایش و کنترل معنی دار است ( $P < 0/05$ )، لذا فرضیه ۲ تأیید می شود. میزان اثر بخشی درمان

به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۴۴، ۰/۹۰، ۰/۸۹، ۰/۴۸، ۰/۸۰ بوده است؛ توان آماری بالا در همه خرده‌مقیاس‌ها نشان می‌دهد که حجم نمونه برای بررسی این فرضیه کافی بوده است.

### نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، بررسی اثربخشی آموزش گروهی مادران طلاق (با رویکرد تلفیقی) در شهر اصفهان بر سازگاری آنان بود. نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها نشان داد که فرضیه اول تأیید شده است. یعنی آموزش گروهی مادران طلاق با رویکرد تلفیقی بر سازگاری مادران موثر است.

نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش‌های بلالی (۱۳۸۸)، تی‌چان (۱۹۸۹)، گاو و شین (۱۹۸۹) و فیشر (۱۹۹۴) همسو می‌باشد.

پژوهش‌هایی بر کاهش سازگاری مادران به دنبال طلاق و آثار این پیامد بر انجام وظایف والدینی و در نتیجه کاهش هرچه بیشتر سازگاری کودکان با طلاق تأکید دارند. بلالی در پژوهش خود دریافت که بین سبک‌های دل‌بستگی، حمایت اجتماعی در عامل حمایت خانواده، نگرش مذهبی در بعد اخلاقیات و عقاید، ویژگی‌های شخصیتی در بعد روان‌رنجوری و برون‌گرایی، سلامت روان در بعد افسردگی با سازگاری پس از طلاق رابطه‌ی معناداری وجود دارد. والرستین (۱۹۸۶) بیان کرد که سازگاری با طلاق شامل جدایی از رابطه‌ی زناشویی با همسر سابق، حل و فصل احساسات ناشی از جدایی و قطع رابطه‌ی زناشویی، تثبیت ارتباط پس از طلاق با همسر قبلی و جدید و یا هر دوی آنها می‌باشد.

ساتون و اسپرنیکل<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۱ و ۱۹۸۳ ده هدف را برای درمانگران در نظر گرفتند که به افراد کمک می‌کند تا به سازگاری پس از طلاق دست یابند.

۱- پذیرفتن پایان زندگی زناشویی؛ ۲- رشد عملکرد ارتباطی بعد از طلاق با همسر قبلی

۳- سازگاری عاطفی؛ ۴- سازگاری شناختی؛ ۵- توسعه و رشد سیستم حمایت اجتماعی؛



۶- سازگاری والدینی؛ ۷- سازگاری با فرزندان؛ ۸- استفاده از فرصت‌های رشد و یادگیری؛ ۹- دستیابی به یک چهارچوب قانونی؛ ۱۰- سازگاری زندگی عمومی و سلامت فیزیکی (به نقل از بلالی، ۱۳۸۸).

در همین راستا در این پژوهش سعی بر آن گردید که سازگاری مادران با طلاق افزایش یابد. طلاق یک بحران عاطفی شدید حتی در خانواده‌های پرتعارض می‌باشد. بحرانی که زوجین را با تغییرات و فقدان‌های اساسی در زندگی خانوادگی مواجه می‌سازد و چهارچوب شناختی و باورهای آنان در مورد زندگی مشترک را به یکباره فرو می‌ریزد. برای بسیاری از افراد زندگی پس از طلاق مانند ظرف شکسته‌ای است که فرد برای ادامه آن باید بتواند اجزای شکسته آن را جمع‌آوری کند. در این دوره می‌توان احساسات عمیق عاطفی، مانند یأس، ناامیدی، انتقام، مقابله به مثل، وحشت‌زدگی و درماندگی را تجربه کرد. متأسفانه با وجود مشکلات دادگاهی و حقوقی، مسائل مالی، نقل مکان، مشاجرات و تعارضات شدید با همسر سابق و مسائل مربوط به فرزندان زوجین فرصتی برای توجه به خود و بازنگری در تجربه جدایی و هیجانات و تفکرات مرتبط با آن نمی‌یابند و باورها و هیجانات منفی و شدید آنان نسبت به این حادثه، بر روی هم انباشته می‌گردد و به صورت ناخودآگاه اثرات مخرب خود را بر سازگاری ایشان و کودکانشان پس از جدایی نشان می‌دهد. آنان بدون آنکه آگاه باشند تا مدت‌ها در بحران به سر می‌برند و روزبه‌روز به مشکلات آنان افزوده می‌گردد.

در این پژوهش سعی بر آن گردید تا محیطی فراهم گردد تا مادران طلاق با تمرکز بر نیازهای شخصی‌شان، به برون‌ریزی هیجانات منفی خود پرداخته و به اصلاح باورهای غلط و آسیب‌زای خویش در ارتباط با طلاق و همسر سابق بپردازند تا از این طریق میزان سازگاری آنان با طلاق افزایش یابد.

براساس نتایج به دست آمده از بررسی داده‌ها، فرضیه دوم نیز تأیید گردید. به این معنی که آموزش گروهی مادران طلاق با رویکرد تلفیقی بر زیرمقیاس‌های سازگاری مادران شامل (خودارزشمندی، رها شدن، خشم، درک، صمیمیت اجتماعی و خودارزشمندی اجتماعی) مؤثر

است. توان آماری بالا در همه خرده مقیاس‌ها نشان می‌دهد که حجم نمونه برای بررسی این فرضیه کافی بوده است.

نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهش بلالی (۱۳۸۸)، فیشر (۱۹۹۴)، مور و لو آن‌بی (۱۹۹۰)، وو کالویچ و کالتیانو (۲۰۰۸)، تی‌چان (۱۹۸۹)، بون (۲۰۰۵) به نقل از بلالی (۱۳۸۸) همسو می‌باشد. از طرف دیگر، این نتایج با یافته‌های استوارت و کالیجوس (۲۰۰۰) ناهمسو می‌باشد.

تی‌چان و مور و لو آن‌بی در پژوهش‌های خود بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های سازگاری پس از طلاق را کاهش دلبستگی به همسر قبلی، صمیمیت فرزندان، رضایت فرد مطلقه از دوستان و روابط صمیمی با خویشاوندان نزدیک همسر قبلی معرفی می‌کنند. فیشر (۱۹۹۴) بیان کرد که خصومت و نفرت احساسات اولیه نسبت به همسر سابق است و پس از آن احساس گناه و تأسف برای همسر قبلی و در نهایت هم بی‌تفاوتی. برای بیشتر افرادی که به تازگی جدا شده‌اند، خشم یک احساس بارز است؛ اما در طول زمان، ماندگاری خشم می‌تواند در کاهش سازگاری افراد مطلقه مؤثر باشد و حل و فصل خشم و بخشودگی همسر یکی از عوامل افزایش سازگاری با طلاق می‌باشد. آگاهی فرد از مدیریت خشم، بر روی عملکرد بین فردی و فرافردی تأثیرگذار است. در حالی که اکثر افرادی که جدا می‌شوند، تصور داشتن هر نوع ارتباطی را با همسر سابق سخت و عذاب‌آور می‌دانند (راهه و براون، ۲۰۰۵؛ به نقل از بلالی، ۱۳۸۸).

به منظور اثربخشی پژوهش بر زیرمقیاس‌های سازگاری مادران، در جلسات گروهی مطابق با برنامه بازسازی زندگی پس از طلاق فیشر به بحث و بررسی تک‌تک مراحل بازسازی از قبیل (انکار، ترس، سازگاری، تنهایی، دوستی، احساس گناه/ طرد شدن، غم، خشم، رها کردن، خودارزشمندی، صداقت، اعتماد، استقلال، هدفمندی و آزادی) پرداخته شد. در هر مرحله پس از آموزش خصوصیات آن مرحله به بررسی احساسات و هیجانات تک‌تک اعضا نسبت به آن مرحله پرداخته شد و با ارائه‌ی تکالیف خانگی و تمرینات منظم سعی در جهت عبور سازگارانه اعضا از هر مرحله گردید. این مراحل در افزایش احساس خودارزشی، رها شدن، صمیمیت

اجتماعی، خودارزشی اجتماعی و طی کردن سوگ باقیمانده از ارتباط مؤثر واقع شد. همچنین با آموزش شیوه‌های بخشودگی و آشنایی مادران با باورهای غیرمنطقی مرتبط با طلاق، سعی در کاهش خشم نسبت به همسر قبلی گردید.

### پیشنهادها

با توجه به اینکه این پژوهش تنها بر روی نمونه محدودی از زنان مطلقه خودسرپرست تحت حمایت سازمان بهزیستی شهر اصفهان صورت گرفت، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌هایی در این راستا در سایر شهرها و با نمونه‌های بزرگتر انجام شود. پژوهش به صورت خانواده‌درمانی با حضور همه اعضای خانواده شامل (پدر، مادر و فرزندان) و نه به صورت جلسات گروهی انجام گردد. همچنین ضرورت این موضوع انجام مداخلات آموزشی و درمانی منسجم‌تر با هدف افزایش سازگاری والدین و کودکان طلاق را ایجاب می‌کند.

### منابع فارسی

- احمدوند، م. (۱۳۸۸). *بهداشت روان ۱*، تهران: انتشارات سیمیا
- اخوان تفتی، م.، سیف، س. (۱۳۷۸). شوک پس از طلاق، اثر جدایی والدین بر فرزندان. *مجله تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*. ۱ (۳ و ۴)، ۷۵-۵۹.
- امینی، ن. (۱۳۷۹). بررسی و مقایسه ویژگی‌های روانشناختی شخصیتی و باورهای غیرمنطقی زنان مطلقه و عادی استان بوشهر. *مجموعه مقالات نخستین همایش سراسری علل و پیامدهای طلاق*. ۳۴-۲۷.
- برنشتاین، اف.، اچ.، برنشتاین، ام. تی. (۱۳۷۷). *شناخت و درمان اختلاف‌های زناشویی*. ترجمه مهرابی، ح.ر.، تهران: انتشارات رسا.

- بلالی، ط. (۱۳۸۸). بررسی عوامل پیش بینی کننده سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.
- پروچاسکا، ج.، نورکراس، ج. س. (۱۳۸۵). نظریه‌های روان‌درمانی. ترجمه سیدمحمدی، ی.، تهران: انتشارات رشد.
- رضایی، ح. (۱۳۸۶). بررسی و مقایسه نوع سبک‌های مقابله‌ای در مردان و زنان عادی با مردان و زنان متقاضی طلاق در شهرستان مریوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- شفیع آبادی، ع. (۱۳۷۴). طلاق و استرس حاصل از آن. مجموعه مقالات اولین سمینار استرس و بیماری‌های روانی. ۱۷۵-۱۵۳.
- مظاهری، ا. (۱۳۸۲). بررسی تأثیر آموزش گروهی عزت نفس به شیوه رفتاری و رفتاری-شناختی بر سازگاری اجتماعی دانشجویان ساکن خوابگاه دانشگاه اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.
- یوسفی، ن.، اعتمادی، ع.، بهرامی، ف.، احمدی، ا.، فاتحی زاده، م. (۱۳۸۹). مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در همسران طلاق و عادی به عنوان پیش‌بینی کننده طلاق. مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۱۶ (۱)، ۳۳-۲۱.

## منابع لاتین

- Fisher, B. & Bierhaus, J. (1994). *Facilitators manual for rebuilding: when your relationship ends*. California: Impact Publisher.
- Fisher, B., & Robert, A. (2000). *Rebuilding: when your relationship ends*. California: Impact Publisher.
- Fox, D. J. (2001). Children of divorce: Is their personality component? *Journal of Divorce and Remarriage*, 35, (3/4), 107-124.
- Gove, W. R., & Shin, H. (1989). The psychological well-being of divorced and widowed men and women. *Journal of Family Issues*, 10, 122-144.
- Moore, A. G., & Lou Ann B, J. (1990). Post divorce adjustment: social supports among older divorced persons. *Journal of Divorce & Remarriage*, 13 (4), 427-454.

- Portes, P., Brown, J., & Smith, T. (2000). The divorce adjustment inventory- revised: validation of a parental report concerning children's post- custody adjustment. *Journal of Divorce & Remarriage*, 33 (3-4) , 93-109.
- Stewart, K. & Colleagues (2000). "Effects of Parental Separation and Divorce on Very Young Children". *Journal of Family Psychology*, 14 (2) , 27-45.
- Tschann, J. M. (1989). Resources, stressors and attachment as predictors of adult adjustment after divorce: a longitudinal study. *Journal of Marriage and the Family*, 51 (4) , 1033-1046.
- Tucker, J. S., Friedman, H. S., Schwartz, J. E., Criqui, M. H., Tomlinson-Keasey, C., Wingard, D. L., & Martin, L. R. (1997). Parental divorce: Effects on individual behavior and longevity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 381-391.
- Vukalovich, D., & Caltabiano, N. (2008). The effectiveness of a community group intervention program on adjustment to separation and divorce. *Journal of Divorce and Remarriage*, 48 (3/4) , 145.
- Wallerstein, J. S. (1986). Women after divorce: Preliminary report from a ten-year follow-up. *American Journal of Orthopsychiatry*, 56, 65-77.

